



فصلنامه علمی - تخصصی

حکمت اسلام

سال اول ، شماره اول، تابستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز:

مجمع عالی حکمت اسلامی

مدیر مسئول:

آیت الله غلامرضا فیاضی

سرمدبیر:

دکتر علی عباسی

دبیر تحریریه:

دکتر محمد رضاپور

مدیر اجرایی:

محمدباقر خراسانی

امور اجرایی:

سیدسعید شاهچراغی

کارشناس فنی:

مرتضی محمدی استانی

ویراستار:

محمود سوری

مترجم انگلیسی:

سید عبدالرئوف افضلی

مترجم عربی:

نوفل بن زکریا

صفحه آرا:

حسن محسنی

همکار اجرایی این شماره:

عباس پریمی

چاپ:

مرکز چاپ و نشر اسراء

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- مسعود آذربایجانی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
- حمید پارسانیا (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم ۷)
- عزالدین رضانژاد (دانشیار پژوهشگاه بین المللی المصطفی ۹)
- حسن رضانی (استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)
- علی شیروانی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
- محمد فنایی اشکوری (دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱)
- مجتبی مصباح (دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱)
- حسن معلمی (استادیار دانشگاه باقرالعلوم ۷)
- احمد واعظی (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم ۷)

مجوز انتشار:

۹۲/۳۵۹۱۱

نشانی: قم، خیابان ۱۹ دی، کوچه ۱۰، فرعی اول سمت چپ، پلاک ۵

صندوق پستی: ۳۷۱۸۴۴۵۴

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۵۷۶۱۰

دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۲۱۰۰۴

پست الکترونیکی: Fhi@HekmatIslami.com

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۹۹۰۰۰۹۱۳۸۴

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

ارجاع علم حصولی به علم حضوری از نظر علامه

طباطبایی

حسن معلمی

چکیده

از مباحث مهم معرفت‌شناسی، مینا پیدا کردن برای علم و معرفت است؛ مینایی که ضمانت صحت داشته باشد و ضمانت آن ذاتی باشد و از غیر کسب نکرده باشد. از جمله این میناگروی، ارجاع علوم حصولی به علم حضوری است که از سوی مرحوم علامه طباطبایی برجسته و تبیین شد و دستاوردهای مهم معرفت‌شناسی دارد؛ به‌ویژه با توجه به توسعه آن از سوی شاگردان ایشان همچون شهید مطهری. از جمله این ارجاعات، ارجاع مفاهیم فلسفی به علوم حضوری است که مفهوم علت و معلول از این دسته مفاهیم است؛ مفاهیمی که از سوی هیوم ساخته ذهنی و از سوی کانت قالب ذهنی پنداشته شد و معرفت‌شناسی را به سمت شکاکیت و نوعی نسبیّت کشاند. با ارجاع این دسته از مفاهیم به علم حضوری، قضایای برآمده از این دسته مفاهیم ضمانت صحت می‌یابد و می‌تواند ناظر به واقع باشد؛ هر چند بدون این ارجاع نیز اصل علیّت و بدیهیات اولیه بشر قابل دفاع است که نوشتاری جدا می‌طلبد و اصل مطلب در کلمات فارابی آمده است. از دیگر موارد ارجاع، ارجاع محسوسات ظاهری به علم حضوری است که تبیین روشنی بود بر دو مطلب: ۱. خطا در احساس نیست، بلکه خطا در تطبیق است. ۲. محسوسات جهت مطابقت به تبیین نیاز دارند و به صرف احساس نمی‌توان به‌طور قطع گفت امر محسوس در خارج موجود است یا چه ویژگی‌ای دارد.

واژگان کلیدی: علم حضوری، علم حصولی، ارجاع علم حصولی به علم حضوری، معقولات ثانیه فلسفی، علامه طباطبایی

■ مدرس حوزه علمیه قم، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم ۷.

H.moallemi@hekmateislami.com

روان‌شناسی تجربه دینی

مسعود آذربایجانی

چکیده

موضوع بحث، روان‌شناسی تجربه دینی است و مسئله‌ای که دنبال شده، چستی گزارش‌ها و مطالعات روان‌شناسان و تحلیل‌های روان‌شناختی درباره تجربه دینی است. روش ما در این بحث، تحلیل محتوا و گزارش توصیفی - تحلیلی و انتقادی است که با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. محورهای اصلی بحث، پایه‌های زیستی در تجربه دینی، مقدمات و شرایط روان‌شناختی تجربه دینی، تأثیر داروهای روان‌گردان در تجربه دینی و معیارهای روان‌شناختی تمیز تجربه صادق و کاذب است. بر اساس شواهد تجربی و بیان‌های فیلسوفان اسلامی در این مقاله تجربه دینی را صرفاً به عوامل زیستی نمی‌توان تقلیل داد. شرایط روان‌شناختی مانند صفای باطن، مراقبه، و ریاضت‌های علمی و عملی در پدیدایی و عمق تجربه دینی موثر است. نظریه ویلیامز جیمز، نظریه سوندن و اسناد به فعالیت نیم کره راست مغز از جمله تبیین‌های روان‌شناختی تجربه دینی است. داروهای روان‌گردان یا ایزدآران به وجود آورنده تجارب دینی نیست و در صورتی که نشانگان بالینی اختلال هذیان وجود داشته باشد، می‌تواند از علائم آسیب روانی باشد.

واژگان کلیدی: فلسفه دین، روان‌شناسی دین، تجربه دینی، روان‌شناسی تجربه دینی

بررسی مسئله «ظهور حقایق و بطلان شرایع» در عرفان

اسلامی

حسن رمضانی

چکیده

در بین سخنان اهل معرفت یا اشعار شاعران عارف، گاه ابیات و عباراتی به چشم می‌خورد که اگر معنای آنها شرح و توضیح داده نشود و مقصود گوینده کلام به‌خوبی تبیین نگردد، به‌صورت آموزه‌ای مخالف با دستورات شرع مقدس جلوه‌گر می‌شود. از جمله این عبارات که موجب گردیده برخی از علمای دین، عارفان راستین را به اباحه‌گری و شریعت‌گریزی متهم سازند، جمله معروف و مشهور «إذا ظهرت الحقایق بطلت الشرایع» است. مدعای این مقاله این است که این عبارت و عبارت‌هایی از این دست، هرگز به معنای رفع تکلیف در این دنیا نیست، بلکه مقصود از این عبارت، همان معنایی است که از برخی آیات و روایات استفاده می‌شود؛ یعنی تا وقتی مرگ فرا نرسیده و هنوز حجاب دنیا از جلو دیدگان برطرف نگشته و پرده‌ها کنار نرفته، شرایع اعتبار دارند و انسان می‌تواند بر اساس آنها در طریقت قدم نهاده و بدین‌گونه مقدمات قرب و وصول خویش را به حقیقت فراهم آورد؛ لیکن وقتی مرگ او فرا برسد و حجاب‌ها و پرده‌ها از جلو چشمانش کنار روند، شرایع برای او اعتباری ندارد و دیگر نمی‌تواند کاری انجام دهد، بلکه او می‌ماند و اعمالی که انجام داده است. نگارنده در این مقاله با استناد به سخنان اهل معرفت و تحلیل و تبیین آنها درصدد اثبات این مدعا برآمده است.

واژگان کلیدی: شریعت، طریقت، حقیقت، رابطه طولی، اباحه‌گری، رفع تکلیف

■ استاد حوزه علمیه قم، استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

H.ramazani89@gmail.com

معیار برهان صدیقین

(بررسی تطبیقی بر برهان ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی)

عسکری سلیمانی امیری^۱

چکیده

بی‌گمان یکی از امتیازهای فیلسوفان اسلامی از عصر فارابی تاکنون در برابر دیگر اندیشمندان اسلامی در اثبات واجب، برهان صدیقین آنان است. اما در این برهان چه ویژگی‌ای نهفته است و معیار آن چیست که بر دیگر براهین ممتاز می‌شود. در واقع سؤال پژوهش این است که معیار صدیقین چیست که ملاصدرا، برهان ابن سینا را صدیقین نمی‌داند؛ در حالی که ابن سینا برهان خود را متصف به صدیقین کرده است؟ آیا فارابی که طراح برهان صدیقین است، با ملاصدرا در معیار صدیقین هم‌سخن‌اند یا هر یک معیار جداگانه‌ای دارند؟ آیا علامه با همان معیار برهان صدیقین را ابداع کرده است؟ در این تحقیق معلوم می‌شود فارابی، ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی یک معیار برای برهان صدیقین معرفی کرده‌اند، اما اینکه آیا برهان‌هایی که ابن سینا و ملاصدرا ارائه داده‌اند، ملاک صدیقین را دارد یا خیر، به بررسی نیاز دارد. در این تحقیق نشان داده‌ایم برهان ابن سینا و سه برهان از ملاصدرا ملاک صدیقین را ندارند و برهان ملاصدرا در *مفاتیح الغیب* و برهان علامه طباطبایی در *تعلیقات بر اسفار واجد ملاک صدیقین* اند. **واژگان کلیدی:** برهان صدیقین، معیار صدیقین، ابن سینا، ملاصدرا، علامه طباطبایی

۱ دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

بررسی و بازخوانی دلیلی از ابن سینا بر ابطال ماتریالیسم

محمد رضا پور

چکیده

شیخ در فصل نخست نمط چهارم/اشارات با بهره جستن از طبایع مشترک که ضمن اشیای مادی موجودند، استدلالی را ترتیب می‌دهد بر بطلان ماده‌گرایی که دو برداشت از آن قابل طرح است. بنا بر برداشت نخست طبایع اشیاء موجود و مجرداند و بنا بر برداشت دوم موجود و نامحسوس‌اند، گرچه مجرد نمی‌باشند و برداشت اول مورد تأمل شارحان و اندیشمندان بعدی قرار گرفته است. در این استدلال، میان طبیعت کلی یا بشرط لا که مجرد است، و طبیعت من حیث هی که لا بشرط است، خلط شده است. آنچه در ضمن افراد مادی موجود است، طبیعت من حیث هی است که به نعت کثرت موجود بوده و مادی است و آنچه مجرد است طبیعت به شرط لاست که در ضمن افراد موجود نیست.

در این مقاله می‌کوشیم با الهام گرفتن از کلمات شیخ، استدلال وی را به‌گونه‌ای تقریر کنیم که در معرض این اشکال نباشد. به گمان نگارنده، شیخ درصدد است با اثبات نارسایی حواس در دریافت طبایع محسوس، مبنای معرفت‌شناختی و روش‌شناختی ماده‌گرایی را ابطال نماید، نه اینکه آن را اثبات کند. در ضمن اشیای مادی، طبیعت غیرمادی موجود است و مقصود شیخ از نامحسوس بودن طبیعت، نامحسوس هستی‌شناختی نیست، بلکه نامحسوس روش‌شناختی و معرفت‌شناختی است.

واژگان کلیدی: ابن سینا، ماده‌گرایی، ماتریالیسم، کلی طبیعی، کلی عقلی، طبیعت، محسوس

بررسی چیستی و نقش‌های معرفتی اصل عدم تناقض با تأکید بر دیدگاه ارسطو

حسن عبدی

چکیده

پرسش اصلی این تحقیق بدین قرار است: اصل عدم تناقض از نظر ارسطو چگونه تقریر می‌شود و واجد چه نقش معرفتی است؟ در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی و با تمرکز بر آثار ارسطو به بررسی چیستی و نقش‌های معرفتی اصل عدم تناقض پرداخته‌ایم. بر اساس نتایج این پژوهش، ارسطو در مجموع هفده بیان از اصل عدم تناقض را در آثار خود مطرح کرده است. می‌توان این بیانیها را در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد: تقریر هستی‌شناختی و تقریر منطقی. در تقریر هستی‌شناختی، مفهوم «هستی» محور اساسی بیان اصل عدم تناقض را تشکیل می‌دهد؛ در حالی که در تقریر منطقی، اصل عدم تناقض، استفاده از مفاهیم قضیه، سلب و ایجاب محور قرار گرفته است. در این پژوهش نشان دادیم که تقریر هستی‌شناختی اصل عدم تناقض به تقابل مفردات بازمی‌گردد و بر این اساس، می‌توان به این نتیجه رسید که قیدهایی که ارسطو در تقریر منطقی خود از اصل عدم تناقض به کار برده، در حقیقت برای بیان یگانگی دو مفهوم در همه شروط و حیثیت‌هاست و تنها تفاوت آنها در نفی بودن یکی در مقایسه با دیگری است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، از نظر ارسطو، اصل عدم تناقض در فرایند پیدایش معرفت، نسبت به هر گونه معرفتی، خواه معرفت تصویری یا معرفت تصدیقی، از اولویت مطلق برخوردار است. به عبارت دیگر «اصل عدم تناقض در فلسفه ارسطو برای تحصیل هر گونه معرفتی، به نحو مطلق $\alpha\rho\chi\eta$ (= آرخه؛ اصل، arche) است». مقصود از «اولویت مطلق» آن است که اصل عدم تناقض واجد چهار نقش معرفتی است. این چهار نقش عبارت است از: ابتدای توجیهی، ابتدای حکایی، ابتدای دلالی و ابتدای عملی.

واژگان کلیدی: اصل عدم تناقض، اجتماع نقیضین، ارتفاع نقیضین، امّ القضا، ابتدای توجیهی، ابتدای حکایی، ابتدای دلالی، ارسطو.

اصالت وجود در فرآیند فهم

روح الله سوری

چکیده

مفاهیمی که ذهن از اشیای خارجی انتزاع می‌کند، چند دسته‌اند: ابتدا «مفاهیم ماهوی عرضی»، سپس «مفهوم ماهوی جوهر» و در پایان «مفاهیم فلسفی». آدمی به علم حضوری می‌یابد که تنها هنگامی آثار ویژه خود را داراست که بتوان آن را «موجود» نامید، و این منشأ پیدایش مفهوم «وجود» است.

مفاهیم یادشده از یک تحقق به دست می‌آیند که او محکی همه آنهاست، اما یکی از این محکی‌ها اصل (پرکننده خارج) و دیگران فرع اویند؛ به اصطلاح فلسفی شیء اصیل، حیثیت تقییدیه شیء اعتباری است. مفاهیم ماهوی پیش از مفهوم وجود به ذهن می‌آیند؛ پس ذهن آنها را اصیل می‌پندارد. اما تصور دقیق مسئله روشن می‌نماید محکی وجود عین تحقق خارجی و محکی ماهیت تعیین دامنه همان تحقق واحد در زمینه ویژه‌ای است.

حیثیت تقییدیه سه گونه است: نفادی، شائی، اندماجی. چون تحقق اعراض امتداد تحقق جوهر و متحد با اوست، ویژگی نفاد بودن اعراض نیز با جوهر متحد می‌گردد. بنابراین، محکی مفهوم ماهوی که حاصل اتحاد محکی جوهر و اعراض است، برای محکی وجود خاصیت نفادی می‌یابد. البته مراد از نفاد، معنای نسبی اوست نه مطلق؛ زیرا هويت امکانی به سبب محدودیت وجود، ورای حد (ماهیت) خویش را پوشش نمی‌دهد و در ورای حد، عدم او صادق است، اما ورای حد، خود وجودی دیگری است، نه هیچ و پوچ.

واژگان کلیدی: اصالت وجود، اعتباریت ماهیت، رابطه ماهیت با وجود، حیثیت تقییدیه، حیثیت تقییدیه نفادیه